





سرنشانه ابراهیمی، نادر، ۱۳۶۵ - ۱۳۸۷

عنوان و نام پدیدآورنده: چهل نامه کوتاه به همسر / نادر ابراهیمی

مشخصات نشر: تهران، روزبهان، ۱۳۶۸. مشخصات ظاهری ۱۴۲ ص. شابک ۹۷۸-۹۶۴-۵۵۲۹-۱۹۰-۰

وضعیت فهرست‌بوسی: قریباً. پانجاهشت عنوان روی جلد. چهل نامه‌ی کوتاه به همسر. موضوع نامه‌های فارسی - قرن ۱۴

رده‌بندی کنگره: ۱۳۶۸ ی۷۳۸ ب۵۸۶ ب۷۹۲۲۲۲ PRLV رده‌بندی دویی: ۸۱۶۶۴۴۴ شماره کاتالوژی ملی: ۲۸۱۰-۶۸ م

تولید

کارگاه انتشارات روزبهان

آزاده فهیم هاشمی، حامد کنی

آلودر کریمی، سارا گلپزه

مریم موسوی (سروربهر)

داور عنوانی و محمد رضا حسین زاده تبریزی

۴

مطراحی صفحات و روی جلد: زنده یاد استاد مرتضی میرز

۴

آماده‌سازی برای چاپ: کامر شرکت قلم

چاپ متن و صفحاتی: چاپخانه خاشع

چاپ اول ۱۳۶۸

چاپ هفدهم، پاییز ۱۳۸۹

۵۰۰۰ نسخه ۴۰۰۰ تیراژ

دفتر مرکزی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه کوچه قدیری، شماره ۳، طبقه اول
کد پستی: ۱۳۱۲۷۷۳۹۱۲. تلفن: ۶۶۹۶۶۷۹۷. ۶۶۹۶۶۷۹۸. تلفنکس: ۶۶۹۶۵۸۵۵

فروشگاه: تهران، خیابان انقلاب، روسرویی دانشگاه تهران، شماره ۱۱۰۶. کد پستی: ۱۳۱۲۷۵۲۷۱۱

تلفن: ۶۶۲۰۸۶۴۷. تلفنکس: ۶۶۲۹۷۳۵۳

www.roshan.com info@roshan.com

من این کتاب بر اساس نسخه نگارشی و ویرایشی نویسنده تنظیم شده است
حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

یا حق

اشاره

آن روزها که تازه تمرین خطاطی را شروع کرده بودم، حدود سالهای ۶۳-۶۵، به هنگام نوشتن، در تنهایی - در فضایی که بوی تلخ مُرگب ایرانی در آن می پیچید و صدای سُستی قلم‌نی، تسکین دهنده‌ی خاطرم می شد که گردِ ملالی چون غبارِ بسیار نرم بر کُلّ آن نشسته بود - غالباً به یاد همسرم می افتادم - که او نیز همچون من و شاید نه همچون من اما به شکلی، گهگاه و بیش از گهگاه، دلگرفتگی، قلبش را خاکستری رنگ می کرد - و می کوشیدم که با جستجو به امید رسیدن به ریشه‌های گیاه بالنده و

سرسخت اندوه، و دانستن اینکه این روینده‌ی بی‌پروا از چه چیزها تغذیه می‌کند، و شناختن شرایط رشد و دوامش، آن را نه آنکه نابود کنم بل زیر سلطه و در اختیار بگیرم.

پس، یکی از خوب‌ترین راه‌های رسیدن به این مقصود را در این دیدم که متن تمرین‌های خطاطی‌ام را تا آنجا که مقدور باشد اختصاص بدهم به نامه‌های کوتاهی برای همسر، و در این نامه‌ها بپردازم، تا حد ممکن، به تک‌تک مسائلی که محتمل بود ما را، قلب‌هایمان را، آزرده کند؛ و دست‌زد بر سینه‌ی زورآوری‌های ناخفتی بزنم که نمی‌بایست بر زندگی خوب ما تسلطی مستبدانه بیابد و دائماً بیازاردمان.

رفته‌رفته عادت‌م شد که تمرین نستعلیق را از روی سرمشق استادم بنویسم و شکسته را، به میل خودم، خطاب به همسر، در باب خُرده و کلان مسائلی که زندگی‌مان داشت و گمان می‌کنم که هر زندگی سالمی، در شرایطی، می‌تواند داشته‌باشد.

و این شد که تدریجاً تعداد این نامه‌ها که نگاهی هم داشتند به جریان‌های عادی زندگی، رو به فزونی نهاد، تا آنجا که فکر کردم این مجموعه، شاید، فقط نامه‌های من به همسر نباشد، بل سخنان بسیاری از همسران به همسرانشان باشد، و به همین دلیل به فکر بازنویسی و چاپ و انتشار آنها افتادم.

در سال شصت و شش، عمده‌ی توانم را برای تنظیم و ترتیب این نامه‌ها به کار گرفتم؛ و اینک این هدیه‌ی راستین ماست - من و همسر - به همه‌ی کسانی که این نامه‌ها می‌تواند از زبان ایشان نیز

بوده باشد - لافل، گهگاه، اگر نه همیشه، و مشکل گشای ایشان به همین گونه.

و شاید، در لحظه‌هایی به ضرورت، غم را عقب بنشانند، آنقدر که امکان به آسودگی نفس کشیدن پدید آید.

ن.ا.

یادداشت: همسر من گوید: «بنویس که رسم نامه‌نوشتن و از طریق نامه حدیث دل گفتن و به مسائل و مشکلات جاری پرداختن را تو از آغاز جوانی داشتی، تا گمان نرود که تنها بوی تلخ مرکب و صدای سبّی قلم به نوشتن وادارت کرده‌است» و نوشتم.